

نوجوان و مهارت های زندگی

کتاب سوم:

زندگی اجتماعی

به قلم: دکتر علی اصغر احمدی

گردآورنده: محمد احمدی



انتشارات مهدی رضایی - ۱۳۹۱

رشناسه	: احمدی، علی اصغر، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: نوجوان و مهارت‌های زندگی/علی اصغر احمدی؛ گردآورنده محمد احمدی.
مشخصات نشر	: تهران: مهدی رضایی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ج ۳: مصور، نمودار.
شابک	: دوره: 7-5472-5478-600-978؛ ج ۱: 6-5472-5478-600-978؛ ج ۲: 3-5472-5478-600-978؛ ج ۳: 0-5472-5478-600-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوعات	: ج ۱. خودشناسی. - ج ۲. خودسازی. - ج ۳. زندگی اجتماعی.
موضوع	: نوجوانان -- روان شناسی
موضوع	: نوجوانان -- راه و رسم زندگی
موضوع	: خودشناسی در نوجوانان
موضوع	: نوجوانان -- مسائل اجتماعی و اخلاقی
موضوع	: نوجوانان -- روابط با دیگران
شناسه افزوده	: احمدی، محمد، ۱۳۶۰ - گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ الف ۴۴۲۴/۸۷ BF۷۲۴
رده بندی دیویی	: ۱۵۵/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۱۹-۶۰

دوره ۳ جلدی نوجوان و مهارت‌های زندگی

کتاب سوم - زندگی اجتماعی

نویسنده: دکتر علی اصغر احمدی

گردآورنده: محمد احمدی

شابک: ۰۰-۵۳-۵۴۷۲-۶۰۰-۹۷۸

چاپ: منصوری

شابک دوره: ۷-۵۴۷۲-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد قیمت: ۲۷۰۰۰ ریال



انتشارات مهدی رضایی

تلفن: ۴۴۶۹۰۷۶۱

تهران صندوق پستی ۱۳۹۱۵/۱۱۶

www.ketab-2.ir

فهرست

۷	مقدمه
۸	اجتماع، زیست گاه انسان
۹	نیازهای انسان به جامعه
۱۰	نیازهای بدنی یا فیزیولوژیک
۱۰	نیازهای اجتماعی
۱۱	الف- نیاز به توجه
۱۲	ب- نیاز به تعلق داشتن
۱۳	ج- نیاز به تحسین
۱۴	د- نیاز به احترام اجتماعی
۱۴	ه- نیاز به حمایت اجتماعی
۱۶	نیازهای فرا اجتماعی
۱۷	الف- استقلال طلبی
۱۸	ب- نیاز به عزت نفس
۲۴	ج- نیاز به خود شکوفایی
۲۶	د- نیازهای ماورایی
۲۸	مهارت همزیستی
۲۸	۱- ضرورت های همزیستی
۳۱	۲- دامنه همزیستی
۳۲	۳- همزیستی مسالمت آمیز
۳۸	سیاست یعنی چه؟
۳۹	پیروی و رهبری در جامعه
۴۰	عضویت در سیستم اجتماعی
۴۳	وظیفه ما در جامعه
۴۵	مشارکت
۴۶	لوازم مشارکت
۴۸	موانع مشارکت

۴۹	انتخاب
۵۰	کدام شغل را برای آینده انتخاب کنیم؟
۵۴	نقش شغل در زندگی ما
۵۵	ملاک‌های انتخاب یک شغل
۵۷	مهارت حفظ حدود در روابط اجتماعی
۵۸	چرا باید در روابط دختر و پسر حدودی رعایت شود
۶۲	رفتارمان با جنس مخالف چگونه باید باشد
۷۰	خانواده
۷۰	- خانواده هسته‌ای، خانواده گسترده
۷۲	روابط خانوادگی در عالم انسانی
۷۵	وظیفه ما در حفظ و گسترش ارزش‌های خانواده

مقدمه

بسیاری از شما عزیزان نوجوان، با مسایل گوناگونی در جامعه روبرو می‌شوید که برخی اوقات مشکلات زیادی را برای شما ایجاد می‌کند. گاهی اوقات به افرادی اعتماد می‌کنید و اسرار خود را با آنان در میان می‌گذارید که بسیار زود از کار خود پشیمان می‌شوید. این گونه افراد، بدون توجه به اعتمادی که شما به آنها کرده‌اید، رازی که با او در میان گذاشته‌اید را با دیگران در میان می‌گذارند، و یا حتی از آن به نوعی سوء استفاده می‌کنند. و نیز بعضی وقت‌ها می‌خواهید با کسانی دوست شوید که آنان تمایلی برای این کار از خود نشان نمی‌دهند. شما در چنین شرایطی در التهاب دوست شدن با او هستید در حالی که او بی تفاوت از کنار شما می‌گذرد. علاوه بر این‌ها، شما دوستان عزیز نوجوان، با مسایل دیگری در جامعه روبرو هستید که لازم است راجع به آن‌ها چیزهای مختلفی بدانید. اگر ما انسان‌ها با ظرایف ارتباط انسانی در جامعه آشنا باشیم، شاید بتوانیم روابط خود با دیگران را به خوبی مدیریت کرده و هم از وجود خود به دیگران بهره مثبت برسانیم و هم از وجود آنان به خوبی بهره‌مند شویم.

ما نه تنها در جامعه با افراد نزدیک به خودمان ارتباط داریم، که با انسان‌هایی هم که دورادور آن‌ها را می‌شناسیم، ارتباط برقرار

می‌کنیم. ما بسیاری مواقع از افرادی چون ورزشکاران، هنرمندان، ثروتمندان و افرادی که به نوعی شهرت دارند، تقلید می‌کنیم و آرزو می‌کنیم که کاش به جای آنان بودیم. در این میان متأسفانه کمتر از دانشمندان، فقیهان، فلاسفه و اندیشمندان الگو می‌گیریم. شاید به دلیل عدم درک جایگاه حقیقی این گونه افراد، از اهمیتی که آنان در زندگی انسان دارند، غافل هستیم. برای ما ظواهر اهمیت بیشتری از واقعیت‌های عمیق و پنهان، پیدا کرده است. به همین دلیل ظواهر زندگی هنرمندان و بازیگران ورزشی را راحت‌تر از شخصیت عمیق و پنهان دانشمندان و متفکران، درک می‌کنیم؛ و با گروه اول راحت‌تر همانند سازی می‌کنیم. به هر حال یکی از پدیده‌هایی که در جامعه با آن مواجه هستیم، برقراری ارتباط دور یا نزدیک با دیگران و الگوگیری از آنان است. این کار نیز می‌باید به خوبی تحلیل شود تا بتوانیم از مزایای الگوگیری از دیگران به خوبی بهره بگیریم، و از معایب آن دوری کنیم. به هر حال بحث در مورد جامعه که زیست گاه حقیقی ما انسان‌هاست، بسیار اهمیت دارد. ما می‌خواهیم در این نوشتار، ابعاد مختلف زندگی اجتماعی خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، و از این طریق مهمترین زیستگاه خودمان را بشناسیم.

اجتماع، زیستگاه انسان

انسان از بدو پیدایش به شکل جمعی زندگی کرده است. ما آدمیان، به جز موارد اندک، همیشه در کنار هم به سر برده و احتیاجات خود را بر طرف کرده‌ایم. هر کجا که باشیم، به سرعت با دیگران ارتباط برقرار کرده و جمعی را تشکیل می‌دهیم؛ در درجه اول از دیگران تاثیر پذیرفته و گاه بر دیگران اثر می‌گذاریم.

بعضی اوقات ارتباط و پیوند ما با دیگران به حدی شدت می‌گیرد که فردیت خود را از دست داده، دچار از خود بیگانگی می‌شویم. یعنی نمی‌توانیم به روشنی بگوییم که خود، چه کسی هستیم. گویی نمی‌توانیم بین آن چه که واقعا هستیم و آن چه که

دیگران به ما القاء می‌کنند که هستیم، تمایز قایل شویم. حتی پیش از آن که مساله از خود بیگانگی برای ما مطرح باشد، باید توجه داشته باشیم که این جامعه است که هویت ما را شکل می‌دهد و به ما می‌گوید که چه باشیم و چگونه فکر کنیم و چه رفتاری داشته باشیم. جامعه به اعضا خود می‌آموزد که به جهان چگونه بنگرند و چه اهدافی داشته باشند و چه راهی را برای زندگی خود انتخاب کنند.

با توجه به این که انسان تحت تاثیر انسان‌های اطراف خود قرار می‌گیرد، بسیار ضروری است که نحوه این تاثیر گذاری و تاثیر پذیری را بشناسد تا بتواند تا جایی که ممکن است از فردیت و استقلال خود حفاظت کند. لازم است نوجوانان و جوانان به چگونگی تعاملشان با جامعه پی‌برده تا بتوانند با مدیریت صحیح این رابطه، خود را به عنوان یک فرد مستقل پرورش دهند و از یک سو از ابتلا به لجبازی و جنگ با جامعه دور باشند و از سویی دیگر خود را یک سره اسیر جامعه نکنند. برای رسیدن به چنین هدفی، ناگزیریم ابعاد مختلف ارتباط خود با جامعه را مورد توجه و تحلیل قرار دهیم و از این طریق راه‌های تاثیر پذیری خود از اجتماع را بشناسیم و آن‌ها را به شکلی معقول مورد کنترل خویش قرار دهیم. یعنی ضمن بهره‌مندی از روابط سازنده خود با جامعه، از آسیب‌های احتمالی که ممکن است از جامعه نصیب ما شود، دور بمانیم. به این ترتیب انسان در زیست گاه اصلی خود یعنی جامعه می‌باید به نکات چندی توجه داشته باشد. اولین گام این است که از خود پرسیم ما چه نیازی به جامعه داریم؟ در پاسخ به این سوال، ما ابتدا بحث نیازهای انسان به جامعه را مطرح می‌کنیم.

نیازهای انسان به جامعه

نیازهای گوناگونی ما را به دیگران متصل می‌سازد. یعنی در درجه اول این ما هستیم که به جامعه احتیاج داریم. یکی از راه‌های

شناخت نحوه تعامل ما با جامعه، شناخت همین نیازهاست. مهمترین دسته‌های این نیازها عبارتند از:

۱ - نیازهای بدنی یا فیزیولوژیک: مسلم است که

انسان به لحاظ مادی یا بدنی، نیازهایی دارد؛ نیازهایی چون نیاز به غذا، آب، دمای مناسب، ازدواج، سلامتی و بهداشت، نظافت و امثال این‌ها. این گونه نیازها، هر چند که در درجه نخست، مستقل از دیگران هستند، لیکن به دلیل عدم امکان برآورده شدن آن‌ها به شکل مستقل، ما را به ناچار به دیگران نیازمند می‌کنند. ما ناگزیریم با دیگران ارتباط برقرار کرده تا این دسته از نیازها را برآورده کنیم. در نیازی مانند گرسنگی، ما در اصل به غذا احتیاج داریم؛ اگر غذایی وجود داشته باشد، نیاز ما برطرف خواهد شد. لکن در بسیاری مواقع، غذا را باید دیگران تهیه و آماده کنند تا ما مصرف کنیم. همین نکته است که نیازهای بدنی و فیزیولوژیک، ما را به دیگران متصل و مرتبط می‌کند. سایر نیازهای مادی و بدنی ما نیز به همین ترتیب توسط دیگران برطرف می‌شود.

این دسته از نیازها ما را به شکل غیر مستقیم به جامعه نیازمند می‌کند، نه به شکل مستقل. ما برای برطرف کردن این دسته از نیازها، ناگزیر به همکاری و مشارکت اجتماعی هستیم. یک انسان به تنهایی از عهده برطرف کردن نیازهای بدنی و فیزیولوژیک خود نیست. لذا از طریق زندگی جمعی تلاش می‌کند هم نیازهای خود را برطرف کند و هم خود در جای خود، مقداری از نیازهای دیگران را برطرف نماید.

علاوه بر این نیازها، انسان نیازهایی دارد که او را به شکل مستقیم به دیگران مرتبط می‌کند. این دسته از نیازها نیازهای اجتماعی نامیده می‌شوند.

۲ - نیازهای اجتماعی: این دسته از نیازها، نیازهایی

هستند که مستقیماً توسط دیگران برطرف می‌شوند. در حقیقت این

نیازها هستند که ما را به شکل اختصاصی و مستقیم به جامعه متصل و مرتبط می‌کنند. مهمترین این نیازها عبارتند از:

۱. **نیاز به توجه:** یکی از اساسی‌ترین نیازهای ما به دیگران نیاز به توجه است. ما احتیاج داریم که از طرف دیگران مورد توجه واقع شده، توسط آنان دیده شویم. کودکان خردسال، گاهی اوقات که با پدر یا مادرشان صحبت می‌کنند و والدین آنان به دلایلی به حرف آنها گوش کرده ولی به آنان نگاه نمی‌کنند، سر فرد مخاطب را گرفته و به سمت خود بر می‌گردانند و از این طریق نشان می‌دهند که نیازمند نگاه کردن والدینشان هستند. آنان با این عمل خویش نشان می‌دهند که قبل از آن که به گوش والدین خود احتیاج داشته باشند، به چشم آنان نیازمندند.

نیاز به توجه دیگران به شکلی گسترده، رفتارهای انسان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. بسیاری از انسان‌ها سراسر عمر خود را برای جلب توجه دیگران صرف می‌کنند. شهرت طلبی، شدت یافتن همین نیاز است. بسیاری از جوانان تلاش می‌کنند از طرق گوناگون مشهور شوند. یکی از مشاغلی که آنان به دنبال آن هستند تا از آن طریق به شهرت برسند، هنرپیشگی است. بسیاری از نوجوانان و جوانان، طالب هنرپیشه شدن هستند تا از آن طریق نیاز به توجه خود را در طیفی گسترده برآورده کنند.

انسان در درجه اول احتیاج به جلب توجه مثبت دارد؛ در صورتی که بتواند به نوعی، توجه مثبت دیگران را جلب کند. این کار را انجام می‌دهد؛ ولی در صورتی که نتواند توجه مثبت دیگران را به دست آورد، از طرق منفی چنین کاری را انجام می‌دهد. کودک وقتی نتواند از راه قابل قبول، توجه والدین یا بزرگ‌ترها را به خود جلب کند، از طریق شیطننت و ایجاد مزاحمت، تلاش می‌کند مورد توجه واقع شود.

جلب توجه منفی گاهی در میان نوجوانان و جوانان و حتی بزرگ سالان از طریق انجام کارهای غیرعادی و قانون شکنی و

هنجار شکنی، انجام می‌گیرد. کسانی که کارهایی از قبیل خودنمایی‌های خیابانی، پوشیدن لباس‌های غیرعادی، و کلیه کارهایی که می‌تواند توجه دیگران را جلب کند، می‌خواهند نیاز خود به توجه دیگران را ارضا کنند. افرادی که در درون خانواده خود به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته و یا بیش از حد مورد بی توجهی و انتقاد واقع شده‌اند، بیشتر تمایل دارند تا از راه‌های غیر عادی جلب توجه کنند. فردی مرتکب قتل شده بود و دلیل این کارش را مشهور شدن ذکر کرده بود. او می‌گفت می‌خواستم از این طریق عکسم در روزنامه‌ها چاپ شود تا مورد توجه واقع شوم. میرزا آقا خان نوری، وزیر طمع کار ناصرالدین شاه می‌گفت که هر چه باشد بد نامی بهتر از گم نامی است.

۲. نیاز به تعلق داشتن: نیاز به تعلق داشتن، دومین نیاز اجتماعی انسان است. انسان احتیاج دارد به کسانی تعلق داشته و کسانی نیز به او تعلق داشته باشند. بر اساس این نیاز هر کسی خود را به گروه و یا گروه‌هایی متصل می‌سازد. در درجه اول، انسان با تعلق داشتن به خانواده، این نیازش به شکلی اولیه و اساسی برطرف می‌شود. در درجه دوم انسان با انتخاب دوست خود را به گروه دوستان متصل و مرتبط می‌کند. عضویت در مدرسه و تعلق او به کلاس و مدرسه‌ای که در آن درس می‌خواند، نیاز به تعلق داشتن او به دیگران را به نوعی برطرف می‌کند. بعدها پیدا کردن شغل و عضویت از یک مجموعه کاری شدن، به نوع دیگری نیاز او به دیگران را تامین می‌کند. شغل تنها برای تامین معاش یک فرد نیست، بلکه نیازهای اجتماعی انسان را نیز برطرف می‌کند. به همین دلیل است که بعضی از افراد وقتی بازنشسته می‌شوند، به شدت دچار افسردگی می‌شوند. عده‌ای از بازنشستگان نیز تعلقات جدیدی برای خود انتخاب می‌کنند؛ مانند وقت‌گذرانی در پارک‌ها و یا مجالسی که به نوعی آنان را به دیگران متصل و مرتبط نماید. در کشورهای غربی افراد با عضویت در باشگاه‌های گوناگون نیازهای

اجتماعی خود را برطرف می‌کنند. عضویت در گروه‌ها و احزاب سیاسی نیز به نوعی برطرف کننده نیاز به تعلق داشتن به دیگران است.

۳. نیاز به تحسین: انسان احتیاج دارد که توسط دیگران مورد تحسین و تشویق واقع شود. در اصل، تحسین و تشویق دیگران نشان گر دیدگاه مثبت آنان در مورد انسان است. به عبارتی، انسان احتیاج دارد که جایگاه مثبتی در نزد و نظر دیگران داشته باشد. انسان دوست دارد دیگران در مورد او به خوبی قضاوت کنند. از این روست که بسیاری از نوجوانان و جوانان و حتی بزرگ سالان، از انتقاد یا ایراد گیری دیگران گریزانند. قسمت زیادی از وقت برخی از انسان‌ها، صرف فکر کردن در مورد قضاوت دیگران می‌شود. آنان با خود فکر می‌کنند که دیگران در مورد آنان چه فکری می‌کنند. هرچند که گاهی از این کار خسته شده و طرز تفکر دیگران را بی اهمیت می‌شمارند، ولی در نهایت از قضاوت منفی آنان ناراحت و نگران می‌شوند.

بسیاری از انسان‌ها از تعریف و تمجید دیگران خوشحال و راضی می‌شوند، حتی اگر این تعریف نادرست و غلط باشد. گاهی اوقات کسی انسان را عوضی گرفته و فکر می‌کند که مخاطبش کسی است که او در ذهن دارد. بر این اساس شروع می‌کند به تعریف از او. شنونده تعریف، با این حال که می‌داند این فرد اشتباه کرده ولی عکس العملی نشان نداده و از تعریف و تمجید او احساس رضایت می‌کند.

خلاصه آن که انسان در اصل نیازمند تعریف و تحسین به حق دیگران است و اگر نتواند چنین تعریفی را جلب کند به تعاریف دروغین از خود نیز رضایت می‌دهد.

متأسفانه بسیاری از انسان‌ها، فریب چنین تعریف و تمجیدهایی را خورده و در دام انسان‌های منحرف می‌افتند. برخی از انسان‌های فاسد و منحرف، با توجه به همین نیاز انسان، با تعریف

کردن‌های بی جا، آنان را به خود جلب کرده و به موقع آنان را مورد سوء استفاده قرار می‌دهند.

۴. نیاز به احترام اجتماعی: نیاز دیگر انسان، رعایت

احترام او از جانب سایرین است. انسان دوست دارد هر کجا که می‌رود، با استقبال و احترام مواجه شده و وقتی از آن جا خارج می‌شود، با مشایعتی شایسته همراهی شود. به این نیاز انسان، نیاز به احترام اجتماعی گفته می‌شود. وقتی این نیاز توسط سایرین برآورده شود، ما احساس آرامش می‌کنیم، و وقتی این نیاز برآورده نشود، احساس ناآرامی و ناراحتی می‌کنیم. بعضی از نوجوانان وقتی می‌بینند مردم به کسی از افراد هم سن و سال آنان احترام می‌گذارند ولی به آنان بی توجهی می‌کنند، به شدت ناراحت شده و تلاش می‌کنند به نوعی جلب توجه و احترام کنند؛ و یا این که کسانی را که به او احترام نگذاشته‌اند را مورد تمسخر، غیبت و عیب جویی قرار دهند. آنان با این کار به خود آرامش می‌دهند، و ناراحتی خود را از این که مورد بی احترامی واقع شده‌اند، در پیش خود تقلیل می‌دهند. گاهی اوقات نیز، کسی که توسط دیگران مورد احترام واقع شده است را هدف قرار داده و او را مورد ایراد گیری و تمسخر قرار می‌دهند. خلاصه این که وقتی انسان مورد بی احترامی واقع شده و یا این که به زعم خود مورد بی عدالتی در این زمینه واقع شده باشد، ناراحت شده و اغلب به نوعی می‌خواهد این ناراحتی را جبران کند.

۵. نیاز به حمایت اجتماعی: نیاز دیگر اجتماعی انسان،

نیاز به حمایت اجتماعی است. انسان احتیاج دارد توسط دیگران مورد حمایت و پشتیبانی واقع شود. انسان با داشتن پشتیبان اجتماعی، احساس ایمنی، قدرت و شجاعت می‌کند؛ به همین جهت بعضی از نوجوانان در کنار دوستان یا فامیل خود، چنان احساس قدرت می‌کنند که خود را آماده مواجهه با هر خطری می‌کنند؛ و این در حالی است که در تنهایی به شدت احساس ترس و بی پناهی

می‌کنند. اتفاقاً باید گفت کسانی که در کنار دیگران، احساس قدرتمندی و گردن کلفتی به آنان دست می‌دهد، در باطن خود، به شدت ترسو و بزدل هستند. به هر حال ما احتیاج داریم که توسط دیگران حمایت شده و در موقعیت‌های مختلف، مورد پشتیبانی واقع شویم. این نیاز در درجه اول توسط خانواده ما برطرف می‌شود و در درجه دوم توسط نزدیکان اجتماعی ما. در جوامعی که هنوز رابطه قبیله ای و قومی برقرار است، این حمایت توسط آنان انجام می‌گیرد؛ ولی در جوامعی ای که این گونه روابط به هم خورده است، مانند روابطی که در شهرهای بزرگ بین انسان‌ها به وجود آمده است، این حمایت توسط دوستان انجام می‌گیرد. به همین دلیل است که بسیاری از نوجوانان برای دریافت حمایت اجتماعی در شهرهای بزرگ، به دوستانشان پناه می‌برند؛ تا جایی که جدایی از آنان را برای خود خطرناک و مساوی با بی پناهی قلمداد می‌کنند. با این احساس دوستان خود را به عنوان پناه و پشتیبان، به هر قیمتی حفظ می‌کنند؛ حتی اگر به قیمت به هم خوردن روابطشان با پدر و مادر باشد.

به هر حال انسان برای برآورده شدن نیازهای اجتماعی ناگزیر از انجام کارهایی است. انسان برای پاسخ گویی به این دسته از نیازهای خود به دنبال داشتن یک جایگاه اجتماعی مناسب است. انسان می‌تواند با کسب جایگاه‌های اجتماعی تعریف شده در هر جامعه ای تعدادی از نیازهای اجتماعی خود را برطرف کند. هر قدر جایگاه اجتماعی انسان در جامعه بالاتر باشد، نیازهای اجتماعی او بهتر، گسترده‌تر، عمیق‌تر و با دوام‌تر برآورده می‌شوند. در اصل جایگاه‌های اجتماعی در هر جامعه ای بر اساس میزان برآورده کردن نیازهای فیزیولوژیک و اجتماعی انسان‌ها، طبقه بندی می‌شوند. مشاغل اغلب از جهت جایگاه اجتماعی که برای انسان به ارمغان می‌آورند، اهمیت گذاری می‌شوند. برای مثال یک کارگر در یک کارخانه، در مقایسه با یک سرکارگر و یا در مقایسه با یک مدیر

میانی و یا یک مدیر ارشد، دارای یک جایگاه اجتماعی پایین‌تری است. زیرا یک کارگر، اغلب کمتر از یک سرکارگر مورد توجه و احترام و یا حتی حمایت اجتماعی واقع می‌شود. همچنین یک سرکارگر، احترام و توجه کمتری را در مقایسه با یک مهندس یا مدیر دریافت می‌کند. با توجه به همین امتیازهاست که جایگاه‌های اجتماعی اهمیت پیدا می‌کنند. جایگاه‌های مهمتر آنهایی است که بتواند نیازهای انسان را عمیقتر و طولانی‌تر برآورده کند.

جایگاهی که یک ورزشکار و یا یک هنرپیشه، در جامعه به دست می‌آورد، علی‌رغم درخشش ظاهری، اغلب دوام زیادی ندارد. این گونه جایگاه‌ها اگر با علم و اندیشه همراه شود، می‌تواند استمرار یافته و مدت زیادی نیازهای مختلف انسان را پاسخگو باشد؛ در حالی که اغلب این گونه جایگاه‌ها، چند صباحی بیشتر نمی‌توانند موجب جلب توجه و شهرت فرد شوند. بسیاری از آنانی که زمانی در اوج شهرت بوده‌اند، در فقر و ناشناختگی زندگی کرده و از دنیا رفته‌اند. بنا براین برای رفع نیازهای اجتماعی خود باید به دنبال روش‌هایی باشیم که بتواند به شکلی اساسی نیازهای ما را برآورده کند.

یکی از این روش‌ها توجه به نیازهای فرااجتماعی انسان و پرورش صحیح به موقع آن‌هاست.

۳ - نیازهای فرااجتماعی: انسان علاوه بر نیازهای

که در دو محور نیازهای بدنی و نیازهای اجتماعی برشمردیم، نیازهای دیگری نیز دارد که بالاتر و عالی‌تر از این دو دسته از نیازها هستند. به همین دلیل، این دسته از نیازها را، نیازهای فرااجتماعی می‌نامیم؛ زیرا بالاتر و مهمتر از نیازهای اجتماعی هستند. این دسته از نیازها، حاصل رشد انسانی است و او را آماده می‌کنند که یک زندگی مستقل، عالی‌تر و برتر و در عین حال اجتماعی را بنا کند.